

انتخابه

بهزاد خلیلی دیبزابادی
کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی

معلم خلاق

روزی معلمی از دانش‌آموزانش خواست اسامی همه همکلاسی‌هایشان را روی کاغذ بنویسند؛ به طوری که هر اسم را در یک خط بنویسند. بعدی را خالی بگذارند و اسم نفر بعدی را در خط بعد بنویسند. سپس از آن‌ها خواست قشنگ‌ترین جمله‌ای را که در مورد هر همکلاسی به نظرشان می‌آید، در خط‌های خالی مربوط به هر یک بنویسند. وقت کلاس با انجام این تکلیف درسی گذشت. هر دانش‌آموز پس از اتمام کار، ورقه خود را به معلم تحویل داد و کلاس را ترک کرد.

روز بعد، معلم نام هر دانش‌آموز را در برگه‌ای جداگانه نوشت. تمام نظرات بچه‌های دیگر در مورد هر دانش‌آموز را زیر اسم او نوشت و برگه مربوط به هر دانش‌آموز را به خودش داد. شادی خاصی کلاس را فراگرفت. معلم این زمره‌ها را از بچه‌ها شنید: «واقعاً؟ من هرگز نمی‌دانستم دیگران به وجود من اهمیت می‌دهند.» «بچه‌ها من نمی‌دانستم که دیگران این‌قدر مرا دوست دارند.»

دیگر صحبتی از آن ورقه‌ها نشد. روزهای مدرسه به صورت عادی گذشت. معلم نیز ندانست آیا بچه‌ها بعد از کلاس، با والدینشان در این باره صحبتی کرده‌اند یا نه. به هر حال گویی این موضوع را مهم تلقی نکرد. زیرا آن تکلیف هدف معلم را برآورده کرده بود؛

آن برگه‌ها نشانگر این نکته بودند که همه دانش‌آموزان از تک‌تک همکلاسی‌هایشان رضایت کامل دارند... با گذشت سال‌ها، بچه‌های کلاس از یکدیگر دور افتادند. هر کس در مکانی مشغول ادامه تحصیل، کار و زندگی شد.

چند سال بعد، اوایل جنگ، یکی از آن دانش‌آموزان به نام مارک، در حین خدمت سربازی، در جنگ کشته شد! معلمش با خبردار شدن از این حادثه، در مراسم خاک‌سپاری او شرکت کرد. اکثر همکلاسی‌های قدیمی مارک

برای شرکت در مراسم تدفین آمده بودند. در پایان مراسم، پدر و مادر مارک پیش معلم مارک آمدند. پدر مارک در حالی که کیف پولش را از جیبش بیرون می‌کشید به معلم گفت: «ما می‌خواهیم چیزی را به شما نشان دهیم که فکر می‌کنیم برایتان آشنا باشد.»

او با دقت، دو برگه کاغذ فرسوده را که از ظاهرشان پیدا بود بارها و بارها تا خورده و با نوارچسب به هم متصل

بازی‌های آموزشی برای دانش‌آموزان مناطق دو زبانه

چند بازی را که برای آموزش زبان فارسی به کودکان و دانش‌آموزان مناطق دوزبانه مناسب‌اند، معرفی می‌کنیم:

۱. بازی آموزشی بشنو و جواب بده: بچه‌های کلاس را به دو گروه تقسیم کنید. کلمات فارسی را برای آن‌ها بخوانید. گروه اول هرگاه اسم یک «جاندار» را شنیدند و گروه دوم هم با شنیدن اسم یک «رنگ» آن را تکرار می‌کنند. اگر کلمه‌ای نه جاندار بود و نه رنگ، هر دو گروه سکوت می‌کنند.



کلمات نمونه: آهو، سیب، بابا، مادر، برف، زرد، شیر، بنفش، قرمز، کبوتر، سنگ، لیوان، سفید، اردک، مرغ، ماشین، قهوه‌ای، سیاه، کوه، آفتاب، خروس، نارنجی.

۲. بازی آموزشی نگاه کن ولی فراموش نکن: چند وسیله، میوه یا هر چیز دیگر را که واژه آن در زبان فارسی، با گویش محلی دانش‌آموز فرق دارد، روی میز بگذارید و پارچه بزرگی روی آن‌ها بکشید. از دانش‌آموزان در دسته‌های سه نفری بخواهید جلوی میز بایند. برای ۲۰ ثانیه پارچه را بردارید. سپس دوباره پارچه را روی وسایل بیندازید. سپس از دانش‌آموزان بخواهید نام فارسی آنچه را دیده‌اند بر زبان آورند. هر دانش‌آموزی که تعداد بیشتری واژه صحیح فارسی بر زبان آورد، برنده بازی است.

تذکر: توجه داشته باشید که برنده شدن در این بازی فقط به منظور افزایش انگیزه بچه‌ها برای مشارکت در یادگیری زبان فارسی است و آموزگار باید تمام توجه خود را بر این امر معطوف کند.

شده‌اند، از کیفش
درآورد. خانم
معلم با یک نگاه
برگه‌ها را شناخت؛
همان برگه‌های که
تمام خوبی‌های مارک از
دیدگاه دوستانش در آن‌ها
نوشته شده بود.
مادر مارک گفت: «از شما
به خاطر کاری که انجام دادید
متشکریم. همان‌طور که می‌بینید،
مارک این ورق‌ها را همانند گنجی نگه
داشته است.»
همکلاسی‌های سابق مارک دور هم
جمع شدند.

چارلی با کم‌رویی لبخند زد و گفت:
«من هنوز برگه خودم را دارم. آن را در
کشوی بالای میزم نگه می‌دارم.»
همسر چاک گفت: «چاک از من
خواسته است آن را در آلبوم عروسی مان
بگذارم.»
مارلین گفت: «من هم هنوز برگه‌ام
را دارم. آن را توی دفتر خاطراتم
گذاشته‌ام.»
ویکی کیفش را بیرون کشید و برگه
فرسوده‌اش را به بچه‌ها نشان داد و
گفت: «این همیشه با من است. من فکر
نمی‌کنم کسی برگه‌اش را نگه نداشته
باشد.»

صحبت‌ها ادامه داشت. انگار
کلاسی مثل گذشته‌ها، با همان
همکلاسی‌های قدیمی، در آنجا
تشکیل شده بود؛ فقط جای مارک
خالی بود که اینک آرمیده بود و
دوستی‌ها را تا ابدیت پیوند زده بود.
معلم دیگر طاقت نیاورد. بی‌امان گریه
می‌کرد. او برای مارک و برای همه
دوستانش که دیگر او را نمی‌دیدند،
گریه می‌کرد.